



دانشکده ادبیات و علوم انسانی
رشته زبان و ادبیات فارسی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد

عنوان :

**تصحیح و تنقیح معیار الاشعار
محمدبن محسن فیض کاشانی (علم الهدی)**

استاد راهنما :

دکتر عبدالله رادمراد

استاد مشاور:

دکتر سیدعباس محمدزاده

به کوشش:

زهرا ارگانی

پاییز ۱۳۸۹

صلاة الاضلاع

تقدیم بہ:

افتخار خطّی طوس، ہشتمین مہر سپہر امامت

حضرت علی بن موسی الرضا

علیہ آلف التحیہ والثناء

و

فرزند بزرگوارشان حضرت صاحب الامر

عجل اللہ تعالی فرجہ الشریف

خدای بزرگ را سپاسگزارم که توانستم گامی در راه علم و دانش بردارم، بر خود واجب می دانم که در پایان این دوره از تحصیلات بر حسب

« من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق »

حق شکرگزاری را به جا آورم.

ابتدا از استادان ارجمند

آقای دکتر عبدالله راومردو آقای دکتر سید عباس محمدزاده

که در مراحل مختلف یاریم کردند، کمال تشکر را دارم.

همچنین از استاد بزرگوار

آقای دکتر محمد جعفری حقی

سپاسگزارم که تصحیح نسخه را از ایشان آموختم. و بنا به فرموده‌ی امیرمؤمنان حضرت علی (ع) «من علمنی حرفاً فقد صیرنی عبداً» همواره منت استادی‌شان بر من مایه‌ی افتخار است. و نیز از حجه الاسلام و المسلمین سیدصادق حسینی اشکوری نیز کمال تشکر را دارم که در به دست آوردن نسخه مدیون زحماتشان هستم.

از لطف و محبت خانواده‌ام، پدر و مادر دلسوز و خواهرانم که مشوق من در امر

تحصیل بوده‌اند و برادرانم مخصوصاً شیخ محمد مهدی و شیخ محمد حسن ارگانی

سپاسگزارم به پاس بردباری‌های بی نظیرشان که همواره گرمی بخش لحظات پرکارم بوده‌اند.

در آخر از همسر مهربان و فرزندان عزیزم سپاسگزاری می کنم که شرایط تحصیل را

برایم فراهم آوردند و حضور سرشار از عشقشان زندگی ام را مملو از امید و اعتماد کرد.



بسمه تعالی

مشخصات رساله/پایان نامه تحصیلی دانشجویان

دانشگاه فردوسی مشهد

عنوان رساله/پایان نامه: تصحیح و تنقیح معیار الاشعار محمد بن محسن فیض کاشانی (علم الهدی)

نام نویسنده: زهرا ارگانی

نام استاد(ان) راهنما: دکتر عبدالله رادمرد

نام استاد(ان) مشاور: دکتر سیدعباس محمدزاده

دانشکده: ادبیات و علوم انسانی گروه: زبان و ادبیات فارسی رشته تحصیلی: ادبیات فارسی

تاریخ تصویب: تاریخ دفاع: مهر ۱۳۸۹

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد دکتری تعداد صفحات:

خلاصه:

تحقیق حاضر در شش بخش تنظیم شده است، بخش اول تا سوم مشتمل بر مقدمه و معرفی علم الهدی و کتاب معیار الاشعار و بحثی درباره شعر از نگاه ادیبان و فقیهان می باشد، بخش چهارم متن مصحح نسخه خطی معیار الاشعار از محمد بن محسن فیض کاشانی معروف به علم الهدی می باشد. این نسخه در ۳۵ برگ و ۴۳ فصل با نثری مصنوع و آکنده از لغات عربی نگاشته شده و به بررسی دیدگاه اسلام نسبت به شعر می پردازد مؤلف با تکیه بر آیات قرآن و روایات مستند و با روش علمی و استدلالی ثابت می کند که اسلام نسبت به شعر دیدگاه مثبتی دارد و شعر همچون دیگر سخنان آدمی است اگر نیکو باشد - مقاصد اخلاقی، مذهبی و آموزه های دینی را دنبال کند - مطلوب و پرفضیلت است و اگر ناروا باشد - شامل دروغ پردازی، هجو، مدح ظالمان و تشبیب زنان باشد - ناپسند و مذموم است و موزون و مقفی بودن دخلی به محتوای سخن ندارد.

یادداشتها و فهرست واژهها و آیات و احادیث و ... در بخش پنجم و ششم آورده شده است.

امضای استاد راهنما:

تاریخ:

کلید واژه:

۱. نسخه خطی
۲. تصحیح و تنقیح
۳. معیار الاشعار
۴. علم الهدی
۵. شعر

فهرست مطالب :

بخش اول : مقدمه

پیش گفتار.....	۱۳
بیان مسأله	۱۵
سؤالات تحقیق	۱۶
فرضیه ها.....	۱۶
پیشینه ی تحقیق	۱۶
روش کار	۱۷
سابقه ی آشنایی با موضوع	۱۹
ضرورت انجام پژوهش	۲۰
هدف ها	۲۱
چه کاربردهایی برای این پژوهش متصور است؟	۲۱
استفاده کنندگان از پایان نامه (اعم از موسسات آموزشی، پژوهشی، دستگاه های اجرایی و غیره)	۲۱

بخش دوم : شناخت نامه ی علم الهدی و کتاب معیار الاشعار

زندگی نامه ی مؤلف	۲۴
ولادت	۲۵
خاندان و نیاکان	۲۵
دیگر بزرگان خاندان	۲۶
فرزندان	۲۷

۲۷	استادان و مشایخ.....
۲۸	شاگردان.....
۲۸	آثار علمی.....
۳۱	مسافرت‌ها.....
۳۲	مقام اجتماعی.....
۳۲	مقام علمی و ادبی.....
۳۴	وفات.....
۳۴	معرفی نسخه‌ها.....
۴۲	ویژگی‌های محتوایی و موضوعی نسخه.....
۴۲	نمونه نسخه‌ها.....

بخش سوم : شعر از نگاه ادیبان و فقیهان

۵۳	«شعر، نظم و معنای مصطلح آن».....
۵۴	قید «موزون بودن».....
۵۴	قید «مقفی بودن».....
۵۶	قید «التفات و قصد».....
۵۸	شعر از نگاه فقه شیعه.....
۶۴	نگاه فقیهان، نگاه ادیبان.....

بخش چهارم : متن نسخه

۷۰	مقدمه.....
۷۱	سبب تألیف کتاب.....
۷۳	بیان صناعات پنج گانه‌ی منطقی.....

۷۳	صنعت برهان
۷۳	صنعت جدل
۷۵	صنعت مغالطه
۷۷	صنعت خطابه
۷۷	بیان برخی از وظایف خطیبان
۷۹	نکوهش حب ریاست
۸۱	نکوهش جلب نظر مریدان
۸۳	برخی مضرات جاه طلبی
۸۴	نکوهش (دنیاپرستی و غضب خلافت بعد از رحلت پیامبر (ص))
۸۶	صنعت شعر
۸۸	تعریف شعر
۹۰	مراتب شاعران و اطلاق لفظ شاعر بر تمامی آنان
۹۲	شعر و همراهی آن باغنا و آواز
۹۴	شعر از دیدگاه آیات و اخبار
۹۵	شعر و شاعری در آیات سوره‌ی شعراء
۹۸	چگونه شعری در قرآن نکوهش شده
۹۹	آیات مذمت شعر از نگاهی دیگر
۱۰۲	تفسیر و تأویل آیات مذمت شعر و جمع بین آن دو
۱۰۵	وجود معانی و مصادیق متعدد برای آیات قرآنی
۱۰۷	سخنان ملاصدرا در این باره
۱۰۸	شعر در آیات سوره‌ی یس
۱۱۱	اشتراک پیامبر و امام در کمالات معنوی و دوری از بدی‌ها

- ۱۱۳ امام همچون پیامبر والاترین درجات کمال را داراست
- ۱۱۵ گفتار دانشمندان اهل سنت درباره‌ی شعر خواندن پیامبر
- ۱۱۸ قید قصد در تعریف شعر
- ۱۱۹ رد نظریه‌ی دانشمندان اهل سنت
- ۱۲۰ تنها ملاک خوبی یا بدی شعر مضمون آن است
- ۱۲۰ پیامبر و امامان قادر به سرودن شعر هستند
- ۱۲۲ پیامبر و امامان علاوه بر عصمت باید در تمامی علوم و فنون سرآمد باشند
- ۱۲۳ مهارت امام باقر (ع) در تیراندازی
- ۱۲۴ آیا پیامبر خواندن و نوشتن می‌دانست
- ۱۲۷ بسیاری از امامان شعر سروده‌اند
- ۱۲۷ وصف دیوان امیرالمؤمنین (ع)
- ۱۲۸ اشعار امام سجاد (ع)
- ۱۲۹ امامان فرزندان و شیعیان خود را به سرودن شعر تشویق می‌نمودند
- ۱۳۱ اولین سراینده‌ی شعر حضرت آدم (ع)
- ۱۳۳ موزون بودن کلام مایه‌ی نکوهش نیست
- ۱۳۵ ثواب سرودن شعر در مناقب و مراثی امامان
- ۱۳۷ کراهت شعر مربوط به اشعار دروغین است
- ۱۳۹ انجام کتاب، در تحذیر از گفتار ناصواب

بخش پنجم : یادداشتهای

- ۱۴۳ یادداشتهای

بخش ششم : فهرستهای

۱۷۱	فهرست واژه‌ها
۱۸۰	فهرست آیات
۱۸۲	فهرست احادیث عربی
۱۸۴	فهرست احادیث فارسی
۱۸۵	فهرست نام کسان
۱۸۷	فهرست نام کتاب‌ها
۱۸۸	فهرست منابع

بخش اول

مقدمه

پیش‌گفتار:

استشهاد به سخن و اثر پیشینیان تنها راه دستیابی به معارف و ورود به حوزه‌های معرفتی و پژوهشی است. ابداع و نوآوری یا تولید علم نیز نتیجه پژوهش در آثار باقیمانده از گذشتگان و بررسی و کاوش در میراث فرهنگی و معرفتی است.

امروز برای فتح قله‌ها و قلعه‌های مستحکم گذشتگان، راهی جز احیای میراث مکتوب نداریم. میان ما و پیشینیان، زمان حایل و فاصل شده و تنها دست‌نوشته‌هایی به جای مانده‌اند که قادرند این فاصله را از میان بردارند و ارتباطی مستقیم با ذهن و زبان آنها برقرار سازند. بناها و نقوش و البسه و آثار بر جای مانده از گذشتگان نیز سبب ارتباط فرهنگی می‌شوند و فاصله ما و گذشتگان را کوتاه می‌کنند، می‌توان گفت انتقال فرهنگ و آثار گذشتگان به دو گونه انجام می‌شود: ۱- انتقال غیرمستقیم و خاموش ۲- انتقال مستقیم و گویا.

انتقال گویا و مستقیم، همان است که از راه میراث مکتوب به دست می‌آید و انتقال خاموش - که نیاز به تحلیل و تبیین دارد و در توضیح آن اختلاف در برداشت پیدا می‌شود - انتقال حاصل از سایر موارد است. نیک روشن است که حفظ میراث مکتوب و پاس داشتن آن به احیای نسخ خطی و پژوهش درباره‌ی متون گذشته است، و این امر در گرو متن صحیح و مُنقح از آثار گذشتگان است. با کمال تأسف به رغم این ضرورت عقلی و دینی و ملی و با وجود گستردگی حجم تحقیقات انجام گرفته، ابعاد خاموش و مهجور دریای بی‌پایان نسخه‌ها، بسیار است و این دوستان خاموش و بی‌زبان و محبوس در مخازن گنجینه‌های نسخ خطی کتابخانه‌ها انتظار می‌کشند تا اهل دردی آنها را زنده کرده نشرشان دهد. در این میان کتابهای تاریخی و ادبی بیشتر از دیگر آثار ارزنده‌ی به جای مانده از ذخایر مکتوب فارسی جلوه‌گری می‌کنند. چون آثار ادبی با علوم و معارف دیگر همراه شده دو فایده علمی و ادبی را با خود دارد. در این زمینه قابوس‌نامه و جامع‌الحکمتین ناصر خسرو و اخلاق ناصری خواجه نصیر نامی آشناست،

معارف دینی نیز از این پیوند خجسته دور نیستند. و بخش قابل توجهی از عرصه‌ی پهناور ادبیات فارسی را به خود اختصاص داده است.

کتاب معیارالاشعار نگاشته‌ی محمد بن محسن فیض کاشانی - از دانشمندان و فرهیختگان عصر صفوی - یکی از متون فارسی در قرن یازدهم هجری است که با حفظ ارزش‌های علمی و خصوصیات ادبی آن عصر متنی دشوار و دور از ذهن را فراروی خواننده قرار می‌دهد.

در عصری که نویسندگان ادبی نگاشته‌های خود را مملو از کلمات عربی و غریب می‌نمودند، طبیعی است که شخصی با تحصیلات حوزوی و از خانواده‌ای که پشت در پشت همه از عالمان دینی بودند این امر را با شدت بیشتری دنبال کند.

او همان گونه که به زبان فارسی مسلط بوده، به زبان عربی نیز کاملاً آشنا بوده و به هر دو زبان کتابهایی را به رشته تحریر در آورده، بی‌شک این نکته نیز تأثیر مستقیمی در نگارش او گذاشته، در نتیجه متنی در پیش روی ما قرار داده که کلمات فارسی در آن کمیاب‌تر از کلمات تازی می‌باشد مزید بر این در موارد مختلفی سخن را به عربی ادامه داده است.

جملات طولانی به همراه تتابع اضافات و ترکیبات گوناگون و نیز اشارات بسیار، به برخی متون دینی علاوه بر صعوبت درک مراد و مقصود متکلم، سختی‌های تصحیح و تنقیح متن را دو چندان نموده است.

در این کار تمام سعی ما این بوده است که ضمن ارایه‌ی متنی منقح، مشکلات متن را نیز روشن کنیم و اشارات مؤلف را هم توضیح دهیم.

بیان مسأله:

نسخه معیارالاشعار از محمد بن محسن فیض کاشانی معروف به علم‌الهدی می‌باشد. موضوع نسخه، دیدگاه اسلام نسبت به شعر و شاعری است.

اسلام در سرزمینی ظهور کرد که زبان ساکنانش از نظر ادب و بلاغت به اوج رسیده بود و شاعران در آن زمان داد سخن سر می‌دادند و شعر در زندگانی آنان تأثیر به‌سزایی داشت از این رو وقتی پیامبر مبعوث شد و کلام وحی را به عنوان معجزه‌ای جاویدان بر آنان خواند، کفار او را شاعر و کلامش را شعر خواندند، قرآن این بهتان را شدیداً رد نموده، این تقابل اتهام شعر با ظهور اسلام، منشأ بدبینی نسبت به شعر شده و از این رو آیاتی همانند «والشعراء يتبعهم الغاوون» و «و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له» و گمان اطلاق و تعمیم آنان در قبول این نظریه تأثیر گذاشته است.

مؤلف در ایراد نظر خود تنها به ادله‌ی معتبر و مستند تکیه نموده و بیشتر احادیثی را مورد استفاده قرار داده که در مباحث سندی و رجالی از نظر منبع، سند و راویان حدیث معتبر هستند؛ از این رو دلایلی را که برخی از منابع اهل سنت انتخاب کرده‌اند و یا به برخی از سخنان مشهور ولی فاقد سند اکتفا نموده‌اند، را یاد آور شده و اساس استدلال را بر دلایلی کاملاً اطمینان بخش قرار داده است. ایشان با اتخاذ روش و استدلالی فقهی، اول جواز مطلق شعر را اثبات کرده و بعد رجحان آن را در صورت رجحان مضمون شعر ثابت کرده‌اند.

وی دو نوع مطلق‌گرایی را در ابتدای کتاب یاد آور شده است:

الف: شعر مطلق مذموم است.

ب: شعر مطلق نیکوست.

سپس نظری بینابین را اتخاذ کرده و می‌گوید: شعر به خودی خود مانند هر کلامی دیگر است و موزون یا مقفی بودن در حسن و قبح تأثیری ندارد، در نتیجه همچون تمامی سخنان اگر خیال‌پردازانه و

سؤالات تحقیق:

- ۱- موضوع اصلی معیارالاشعار چیست و اقتباس و تقلید از چه کتابی است؟
- ۲- در تصحیح آن نسخه اساس کدام است و بهترین روش در تصحیح چه روشی است؟
- ۳- روش نگارش و طرح مسأله در آن چگونه است؟

فرضیه‌ها:

- ۱- موضوع اصلی نسخه دیدگاه اسلام نسبت به شعر و شاعری می‌باشد و متأثر از نظرات پدرش می‌باشد.
- ۲- نسخه‌ی کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی با رمز M نسخه‌ی اساس می‌باشد که به خط خود علم‌الهدی می‌باشد. روش تصحیح نسخه روش مقابله‌ی نسخه‌ها بر اساس نسخه اصل و به دست آوردن صحیح‌ترین متن می‌باشد.
- ۳- نثر آن ملمّ، مصنوع و آکنده از لغات غریب تازی است و به روش فقیهان پس از تبیین موضوع نظر خود را اثبات و دلایل مخالفین را نقد می‌کند.

پیشینه‌ی تحقیق:

درباره معیارالاشعار هیچ نوع تحقیق و تصحیحی تاکنون صورت نگرفته است و حتی اطلاع‌رسانی صحیح و در خور درباره‌ی آن انجام نشده است، مثلاً، در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در معرفی این کتاب موضوع آن را به صورت احتمال، بررسی گونه‌های شعر و عروض و قافیه - هم چون معیارالاشعار خواجه نصیرالدین طوسی - دانسته است. و همچنین آقا بزرگ تهرانی، معیارالاشعار را همان کتاب میزان‌الاشعار دانسته است. (۱۳۷۲: ۴۹۱/۶)

اینک به ذکر منابعی که مؤلف و اثرش را معرفی کرده‌اند می‌پردازیم:

- ۱- تهرانی، آقابزرگ. (۱۳۷۲)، طبقات اعلام الشیعه، تحقیق علی نقی منزوی، ۶ مجلد، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ۲- _____ . (بی‌تا)، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ۲۵ مجلد، نشر دارالاضواء، بیروت.
- ۳- فیض کاشانی، علم‌الهدی محمد بن محسن. (۱۳۸۸ قمری)، معادن الحکمه فی مکاتیب الائمة علیهم السلام، ۲ مجلد، انتشارات صدوق، تهران.
- ۴- امین، سیدمحسن. (۱۴۰۳ قمری)، اعیان الشیعه، ۱۰ مجلد، انتشارات دارالتعارف للمطبوعات، بیروت.
- ۵- مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۴) ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه او اللقب، ۶ مجلد، نشر خیام، تهران.

روش کار:

چون من در ابتدا کار تحقیق را بر روی نسخه‌ی یوسف و زلیخای علیخان خاکی شروع کرده بودم و با گذشت حدود ۶ ماه از زمان تصویب آن موضوع و پیشرفت قابل توجه کار تحقیق روشن شد که ادامه‌ی آن مقدور نیست به ناچار به دنبال نسخه‌ی دیگری رفتم و بالاخره در اردیبهشت ماه این نسخه تصویب شد و کار تحقیق بر آن را آغاز نمودم. با جستجوی فراوان در فهرست نسخه‌های خطی و سؤال از خبرگان و کارشناسان نسخ به سه نسخه از این کتاب دست یافتم، که یکی از آنها در مشهد مقدس و نسخه‌ی دیگری در تهران و نسخه‌ی سوم در قم بوده و پیگیری‌های جداگانه در هر یک از این مراکز جهت به دست آوردن عکس نسخه‌ی خطی بخشی از دشواری‌هایی است که در ابتدای کار تحقیق فرارویم بوده است.

خوشبختانه در همین میان نسخه‌ای که به خط مؤلف نگاشته شده به دستم رسید این نسخه به همان اندازه که ارزش تحقیق این متن را کامل می‌کرد اما دشواری‌هایی نیز با خود داشت، چون مؤلف اضافه بر

۱- نسخه‌ی مزبور به این اعتبار که از مؤلف است و نیز در کتابخانه‌ی آیه‌الله مرعشی نجفی نگهداری می‌شود به نام اختصاری M معرفی شده و نسخه‌ی کتابخانه‌ی آستان قدس رضوی به اختصار Q و نسخه‌ی کتابخانه‌ی ملک به نام اختصاری L عنوان گردید.

۲- نسخه‌ی M را اساس کار قرار دادم و در پاورقی با اعداد لاتین به اختلافات نسخه‌ها اشاره کردم به گونه‌ای که هر سه نسخه - با حفظ اصالت نسخه‌ی M - پیش روی خواننده قرار بگیرد.

۳- پس از مقابله و تنقیح متن کتاب، معانی لغات دشوار و غریب را با مراجعه به لغت‌نامه‌های فارسی و عربی استخراج نمودم و در بخش یادداشت‌ها افزوده‌ام، تا خواندن متن و درک مطالب کتاب آسان باشد، لازم به ذکر است که معانی لغات نامأنوس عربی را از فرهنگ عربی - فارسی لاروس و فرهنگ فرزانه استخراج کرده‌ام، و اصطلاحات علم منطق را هم از فرهنگ اصطلاحات منطقی و فرهنگ فلسفی - کلامی استفاده کرده‌ام. مؤلف نیز در حواشی خود به عنوان توضیح معانی کلمات از فرهنگ‌های تازی همچون صحاح اللغة و قاموس المحيط سود جسته ولی به عربی دانستن مخاطب تکیه کرده و توضیح را فقط به زبان عربی نقل نموده است.

۴- ترجمه‌ی تمامی جملات عربی حتی جملات معترضه‌ی دعایی را در تعلیقات آورده‌ام تا بهره‌ی بیشتری نصیب خواننده‌ی اثر شود.

۵- در دو مورد عبارات عربی ترجمه نشده‌اند:

الف: جملات بسیار روشن مثل علیه‌السلام و صلی الله علیه و آله.

ب: جملاتی که مؤلف، خود آن‌ها را ترجمه نموده همچون برخی آیات و روایات.

۶- جهت تکمیل فایده، جملات عربی و کلمات نامأنوس عربی را اعراب‌گذاری کرده‌ام تا متن کتاب

آسان‌تر خوانده شود و دشواری‌های آن کمتر به چشم بیاید.

۷- مؤلف به جهت سعه‌ی اطلاع خویش گاهی به صورت اشاره و ایما مطالبی را یادآور می‌شود و در قالب تلمیح یا تضمین به اصطلاحات یا فرازهایی اشاره می‌کند که قبلاً مؤلف آن را به تفصیل توضیح نداده و ارتباط مستقیم با مطالب کتاب ندارد؛ کوشیدم به صورت موجز و گویا به دور از تفصیل و بسط سخن به آن بپردازم و احیاناً مطلبی مشابه از منابع معتبر به جهت تأیید سخنان مؤلف نقل نمایم.

۸- از آنجا که این متن از جهاتی به چند رشته مرتبط است، تصحیح و تنقیح و مقدمه‌نویسی بر آن، ابتدا نیاز به بررسی منابع مربوط به نسخه‌شناسی، و فهارس نسخ خطی و سایت کتابخانه‌ها و نرم‌افزارها داشته سپس بررسی منابع حدیثی و لغوی و مطالعه‌ی سبک ادب فارسی در عصر صفویه را در پی داشته است.

۹- برای هر فصل عنوانی متناسب با محتوای آن انتخاب کردم تا نمایان‌گر مطالب آن بخش باشد، مؤلف تنها به ذکر کلمه‌ی «فصل» اکتفا کرده ازین رو عنوان انتخابی را درون قلاب گذارده‌ام.

سابقه‌ی آشنایی با موضوع:

تصحیح متون که از مهم‌ترین بخشهای پژوهشی و تحقیق نسخ خطی است، می‌بایست به سبک و شیوه درست و علمی انجام پذیرد. در این مقام، مصحح لازم است اصول و شروطی را - البته به صورت نسبی و به اقتضای علمیت کار - در خود دارا باشد. از قبیل خیرگی در تصحیح انتقادی متون، آگاهی از مبانی و اصول کتابشناسی و سبک‌شناسی، اطلاع از زبان متن و خصوصیات دستوری آن، همچنین ذوق سلیم و طبع مستقیم و دقت نظر؛ در این باره باید بگویم که رشد و تربیت در خانواده‌ای بوده است که همگی بویژه پدر و برادرانم عمری را در تحقیق و پژوهش به سر برده‌اند و کتابخانه‌ای بزرگ و معتبر با نسخ خطی و سنگی در منزل پدر وجود دارد، با توجه به این شرایط خاص خانوادگی، از سن نوجوانی، علاقه به کتاب، مطالعه و تصحیح و مقابله و غلط‌گیری و زمینه‌ی آشنایی مرا با متون دینی و نثر قدیم فراهم کرد. تحصیل در رشته ادبیات فارسی زمینه بیشتری را برای مراجعه به نسخه‌های مختلف خطی و سنگی و اطلاع از سبک و روش نگارش و نثر ادبی پارسی ایجاد کرد. سهولت دسترسی به نسخ و کاوش

ضرورت انجام پژوهش:

این نسخه خصوصیتی در خودش جمع کرده که آن را قابل توجه و در خور تصحیح می‌سازد:

۱- مؤلف فقیهی است که از خاندان علم و دانش و ادب برخاسته، خود نیز به همان نسبت که بر فقه و حدیث تسلط دارد در شعر و شاعری هم دست دارد، از این رو در خود ذوق شعر و شاعری و دقت نظر علمی در مبانی اسلامی را جمع کرده است.

۲- دیدگاه اسلام نسبت به شعر و شاعری مباحثی است که سابقه‌اش به دوران صدر اسلام بر می‌گردد و آیات قرآن خود گواه بر آن است ولی هیچ‌گاه به تفصیل و به صورت مستقل از جانب عالمان شیعه کتابی نگارش نیافته، بلکه اشارات پراکنده‌ای در کتاب‌های استدلالی فقیهان در این باره آمده بر این اساس مؤلف به خوبی این خلأ را دریافته و کتابی محققانه و در خور توجه در این موضوع نگاشته، که تاکنون مورد توجه قرار نگرفته و نامی از آن در میان نبوده است.

۳- سبک خاص نگارش و استفاده‌ی فراوان از لغات نادر عربی آن را از دیگر متون عصر مؤلف جدا ساخته و از هم‌عصران خود پیشی گرفته است.